

حداقل ۵۰ درصد آن از طریق سرمایه اعضا تامین شود تا بدین ترتیب اصل استقلال تعاونی و کنترل دمکراتیک توسط اعضا میسر شود.

مدیریت سهام به چه

معنی است

- ۱- فرهنگ لغت وبستر، راهنماییهای خوبی در مورد معنی کلمه مدیریت ارائه می‌کند. بر اساس تعریف این فرهنگ، مدیریت عبارت است توانایی: ۱- اداره یا هدایت با داشتن درجه‌ای از مهارت
- ۲- رفتار محتاطانه
- ۳- تجربه هدایت اجرایی، اداری و نظارتی
- ۴- دستیابی به یک هدف مشخص

هر چهار تعریف فوق،

مستقیماً از مسؤولیت‌های تیم مدیریت در اداره سهام شرکتهای تعاونی هستند مدیریت شرکتهای تعاونی، شامل اعضای هیأت مدیره و مدیران حرفه‌ای در استخدام شرکت هستند. نقش هیأت مدیره از نقش مدیران ارشد استخدام شده متفاوت است. هیأت مدیره، سیاستهایی را تعیین می‌کند که بیان می‌نماید سرمایه و سهام چگونه مدیریت شوند، آنها همچنین بر نحوه اعمال این سیاستها از طریق مدیر شرکت، نظارت دارند.

نقش مدیریت نیز، اجرای سیاستهای هیأت مدیره، اطلاع رسانی و آگاه نمودن اعضای هیأت مدیره از وضع شرکت است. اگر چه نقشهای تیم مدیریت در شرکتهای تعاونی متفاوت است، اما هدف مدیریت مؤثر سهام برای هر هیأت مدیره و مدیر عامل با هدف حصول اطمینان از اینکه شرکت تعاونی در هر زمانی به طور مناسبی تامین مالی می‌شود و بدین ترتیب نیازهای اعضا به طریق



مدیریت سهام در شرکتهای تعاونی

● ترجمه: حمید گل محمدی

مقدمه

همه شرکتهای تجاری و از جمله تعاونیها، نیاز به تامین مالی دارند. یک شرکت تعاونی از سرمایه برای تامین مالی عملیات و فعالیتهای خود استفاده می‌نماید و بدین ترتیب هزینه‌های عملیاتی خود را پوشش داده و در داراییهای ثابت نظیر ساختمان و تجهیزات سرمایه گذاری می‌کند. سرمایه مورد نیاز شرکتهای تعاونی از دو طریق تامین می‌شود. ۱- تامین از سوی اعضا ۲ - دریافت وام (بدهی)

سهام در تعاونیها به چه معنی است

در شرکتهای تعاونی، سهام، معرف حقوق مالکیت اعضا از کل داراییهای شرکت است. اگر بخواهیم با استفاده از اقلام موجود در ترازنامه، سهام را تعریف کنیم، می‌توان گفت: سهام عبارت است از کل داراییهای منهای کل بدهیها. در شرکتهای تعاونی، سهام به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱- سرمایه ۲- ذخائر

قانونی. سرمایه حجمی از سهام است که به هریک از اعضا و بر مبنای یک نسبت معین اختصاص داده شده است. ولی ذخائر قانونی، برای حسابهای اعضا در نظر گرفته نشده است. به عبارت دیگر، ذخائر قانونی برای حفظ قدرت نقدینگی شرکتهای تعاونی تخصیص یافته است.

منظور از سهام چیست

از آنجا که سرمایه گذاری در یک شرکت تعاونی برای مالکان آن، ریسک سرمایه را به همراه دارد، از این رو سهام به عنوان ابزاری برای حفظ حقوق افراد از داراییهای شرکت، عمل می‌نماید. در یک شرکت تعاونی، نظیر سایر اشکال شرکتهای تجاری، اعضا مایل به داشتن بخش بیشتری از سهام مالکیت در سازمان هستند. داشتن چنین سهمی به اعضا کنترل و انعطاف بیشتری در تعیین نحوه فعالیت و عملیات شرکت و تامین مالی آن ارائه می‌کند. بنابراین ترکیب داراییها در یک شرکت تعاونی باید به نحوی باشد که

مؤثر و کارا تأمین می‌گردد، مشابه است. هریک از تعاریف ارائه شده از "مدیریت کردن" می‌تواند برای تعیین تفاوت بین نقشهای مدیریت و هیأت مدیره در ایفای مسؤولیتهایشان برای مدیریت سهام شرکت تعاونی استفاده شود.

۱- اداره و هدایت با داشتن درجهای از مهارت

نقش هیأت مدیره

هیأت مدیره امانتدار اعضا برای حفاظت از داراییهای شرکت تعاونی و حافظ سرمایه گذارهای اعضا است. برای انجام این مسؤولیت، اعضای هیأت مدیره می‌بایست حداقل از یک دانش و درک ابتدایی راجع به تأمین مالی شرکت تعاونی برخوردار باشند. آنها می‌بایست همچنین برای دریافت گزارشهای دوره‌ای از مدیریت راجع به وضعیت مالی شرکت و روند پیشرفت آن در جهت دستیابی به اهداف مالی تعاونی، پافشاری نمایند. اعضای هیأت مدیره از طریق دانش مالی خود و اطلاعاتی که از گزارشهای مالی ارائه شده از سوی مدیریت دریافت می‌کنند، می‌توانند وضعیت مالی شرکت را تشریح نمایند و به این سؤال که آیا منابع و سهام کافی سرمایه گذاری شده برای هدایت عملیات شرکت وجود دارد؟ پاسخ دهند.

نقش مدیریت

مدیریت شرکت تعاونی می‌بایست دانش و درک کامل راجع به مسائل مالی شرکت تعاونی داشته باشد به گونه‌ای که قادر به نظارت، گزارش دهی و پیش بینی صحیح نتایج فعالیتهای مالی شرکت تعاونی و نیازمندیهای مالی و سرمایه های آتسی آن باشد. مدیریت می‌بایست همچنین از توانایی کافی برای توسعه و مدیریت عملیات برنامه‌های سهام شرکت تعاونی برخوردار باشد به گونه‌ای که بتواند تضمین کند سرمایه کافی برای فعالیتهای شرکت وجود دارد.

۲- رفتار محتاطانه

نقش هیأت مدیره

رفتار متناسب با مسؤولیت امانتداری

از وظایف اعضای هیأت مدیره می‌باشد و به معنی مدیریت دقیق و محتاطانه است. این تعریف بویژه در تعیین سیاستها و خط مشی‌ها در زمینه تأمین و جذب سرمایه سهام مورد نیاز و یا توزیع مازاد برگشتی کاربرد دارد. رعایت احتیاط در مدیریت سهام می‌بایست برای اعضای شرکت به شکلی شفاف مشخص شود به نحوی که آنها نقش مهم سرمایه سهام را در بقای تعاونی و ادامه فعالیتهای و عملیات آن به طور کامل درک کنند. بدون داشتن چنین درکی، اعضا ممکن است انتظارات غیر واقعی و نابجایی از سطح سرمایه گذاری مورد نیاز شرکت، زمان و نحوه تقسیم مازاد برگشتی و بازپرداخت سهام خود از سوی تعاونی، داشته باشند. اعضا می‌بایست نیاز به حفظ سرمایه کافی در شرکت تعاونی رابه منظور ارائه عملیات تجاری آن، رشد مالی شرکت و داشتن ذخیره احتیاطی برای رویارویی با مشکلات آتی، درک نمایند.

نقش مدیریت اجرایی (مدیرعامل)

بین نقش مدیریت اجرایی و هیأت مدیره در داشتن احتیاط، ارتباط نزدیکی وجود دارد، اما مدیریت اجرایی شرکت در اجرای این نقش (رفتار محتاطانه) بیشتر به عملکرد اجرایی روزانه شرکت توجه دارد. مدیریت می‌بایست به طور مستمر، قدرت رقابت پذیری شرکت را درکسب حداکثر برگشتی از داراییهایی که اعضا در شرکت سرمایه گذاری نموده‌اند، ارزیابی نماید.

۳- تجربه هدایت اجرایی، اداری و نظارتی

نقش هیأت مدیره

تعیین سیاستهای مدیریت سهام و سرمایه، چگونگی ایفای نقش اجرایی هیأت مدیره را نشان می‌دهد. سیاستهای مکتوب می‌بایست به نحوی تعدیل شوند که همه جنبه‌های برنامه مالی شرکت شامل برنامه ریزی مالی بلندمدت، ترکیب هزینه‌های ثابت، داراییها، روشها و رهنمودهای حفظ سرمایه، نحوه تأمین مالی، شیوه تقسیم مازاد برگشتی و بازپرداخت سهام اعضا را در نظر بگیرد. هیأت مدیره، همچنین می‌بایست به طور

پیوسته بر اجرای سیاستها، به عنوان بخشی از مسؤولیتهای تحت تصدی خود نظارت داشته باشد.

نقش مدیریت

مدیر عامل در اجرای برنامه مدیریت سرمایه و سیاستهای تعیین شده از سوی هیأت مدیره، سه نقش هدایتی ایفا می‌نماید: ۱- هدایت اجرایی، از طریق ایجاد رویه‌های مورد نیاز برای اجرای سیاستهای هیأت مدیره ۲- هدایت اداری، از طریق گزارش دهی مستمر و پیوسته از نتایج عملیات تجاری و مالی شرکت تعاونی به اعضای هیأت مدیره ۳- هدایت نظارتی به وسیله تعیین رویه‌های نظارتی جهت کنترل روند عملیات شرکت تعاونی

دستیابی به یک هدف مشخص

طبق این تعریف، نقش هیأت مدیره و مدیر مشابه می‌باشند. اهداف اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل از مدیریت مؤثر سهام، ایجاد ساختار سرمایه‌ای مناسب با قدرت رقابتی است که سرمایه گذاری هر یک از اعضای شرکت به نسبت معامله آنها با تعاونی را حفظ کند.

مدیریت مؤثر سهام

قبل از توجه به ملاحظات استراتژیک و عملیاتی لازم برای اجرای مدیریت مؤثر سهام، بررسی مجدد برخی از اصول بنیادین و اولیه در مدیریت سهام نظیر ویژگیهای تأمین سهام و یا روشهای باز پرداخت سهام مهم می‌باشد.

مدیریت سهام و اصول تعاون

همسویی و انطباق با اصول تعاون یکی از جنبه‌های اساسی مدیریت مؤثر سهام در شرکتهای تعاونی است.

در قسلب مدیریت سهام ۱- اصل مشارکت اقتصادی اعضا ۲- اصل کنترل دموکراتیک اعضا و ۳- اصل مازاد برگشتی (انتفاع اعضا از سود شرکت به نسبت معاملاتشان با شرکت) وجود دارد.

عنصر کلیدی در اصل مشارکت اعضا این است که سهام تأمین مالی صورت گرفته از سوی اعضا به وسیله اعضای تعاونی تأمین شده است. اگر این اصل رعایت شود، عموماً اصل کنترل

دمکراتیک اعضا به تبع آن مطرح خواهد شد. یعنی اعضا تعاونی از طریق مشارکت در فرایند رای گیری، بر عملیات شرکت تعاونی نظارت می‌کنند. در نهایت اصل مازاد برگشتی به معنای آن است که درآمد خالص می‌بایست به نسبت معاملات اعضا بین آنها توزیع شود و یا در صورت موافقت هریک از اعضا، میزان برگشتی متعلقه به سرمایه آنها افزوده شود.

اهمیت برنامه ریزی مالی

مدیریت مؤثر سهام در شرکت تعاونی تا حد زیادی به مناسب بودن برنامه ریزی مالی بستگی دارد. تیم مدیریت شرکت تعاونی شامل هیأت مدیره و مدیران اجرایی، می‌بایست به طور کامل در تدوین و اجرای این برنامه، مشارکت داشته باشند. نقش هیأت مدیره در این راستا، تعیین اهداف مالی بلندمدت (۳ تا ۵ سال) برای شرکت تعاونی به نحوی است که با برنامه کلی و استراتژیک تعاونی همسو و سازگار باشد و نقش مدیر عامل نیز توسعه جزئیات برنامه های مالی کوتاه مدت (۱ تا ۳ سال) برای دستیابی به اهداف بلند مدت تعیین شده به وسیله هیأت مدیره است. برنامه مالی، سطح سرمایه مورد نیاز برای دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت را تعیین خواهد نمود. دستیابی به این اهداف زمانی حاصل خواهد شد که مدیریت مؤثر سهام اجرا شود.

برنامه ریزی مالی چیست

برنامه ریزی مالی شامل شناسایی، تجزیه و تحلیل و ارزیابی منابع و نیازهای سرمایه‌ای لازم برای هدایت یک فعالیت تجاری است. برنامه ریزی مالی، همه منابع و مصارف سرمایه را که برای موفقیت عملیات شرکت تعاونی به کار می‌روند، شناسایی می‌کند. منابع عمومی تامین سرمایه شامل سود تقسیم نشده و ذخیره قانونی، درآمد حاصل از فروش داراییها، سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته به وسیله اعضا و انواع مختلف بدهی است. مصارف سرمایه نیز شامل، سرمایه‌گذاری ثابت، حسابهای پرداختی

نظیر بهره وامها، سرمایه‌گذاری در سایر شرکتهای تعاونی و باز پرداخت سهام اعضا است. به طور معمول همواره انواع خاصی از منابع سرمایه، بر اساس نوع سیاستی که از سوی تعاونی اتخاذ می‌شود، در دسترس تعاونی قرار دارند.

اخذ وام یکی از روشهای تامین سرمایه و ابزاری است که به تعاونیها کمک می‌کند نیازهای سرمایه‌ای خود را پوشش دهند. تعیین‌کننده‌های اصلی برای استفاده از وام به عنوان یک ابزار تامین مالی در تعاونیها، تصمیماتی هستند که ترکیب صحیح وامهای کوتاه مدت و بلند مدت، نرخهای بهره، شرایط باز پرداخت و محدودیتهای و تعهدات ناشی از دریافت وام را تعیین و تشریح می‌کنند. تامین سرمایه از طریق وام، بخش لاینفکی از استراتژی کلی در مدیریت سرمایه می‌باشند.

برنامه ریزی مالی، فعالیتی است که هر سال تکرار می‌شود اما اهمیت آن در نیمه دوم از سال مالی شرکت بیشتر می‌باشد. برنامه ریزی ویژه برای سال مالی آتی می‌تواند در سالجاری صورت بگیرد چرا که نتایج مقدمات به دست آمده از عملیات سال فعلی، می‌تواند تخمین منطقی از انتظارات شرکت برای سال مالی جدید باشد.

انواع سهام

اینکه چگونه سهام در شرکت تعاونی مدیریت می‌شود، بستگی زیادی در پاسخ به این سوالات دارد ترکیب سهام موجود در تعاونیها چگونه است؟ یا این سهام چگونه و چه هنگام تامین می‌شوند و چگونه باز پرداخت خواهند شد؟

به طور کلی، سهام به دو دسته: ۱- سرمایه ثبت شده ۲- ذخائر قانونی و احتیاطی، تقسیم می‌شود. دسته اول یعنی سرمایه ثبت شده در اسناد مالی شرکت تعاونی منعکس شده‌اند. این نوع از سهام، از سه طریق متفاوت به دست می‌آید. سرمایه ثبت شده ممکن است، ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم اعضا در شرکت باشد یا از مازاد برگشتی تسهیم نشده اعضا تامین شود و یا ممکن است، اعضا با تحویل واحدهای از محصولات خود (این روش بیشتر در تعاونیهای کشاورزی و بازاریابی

مرسوم است) و یا سپردن مقداری از درآمدهای حاصل از فروش محصول خود جهت اجرای طرحهای توسعه‌ای شرکت تعاونی، سرمایه‌گذاری نمایند.

ذخائر قانونی و احتیاطی، منابع مالی را تشکیل می‌دهند که تحت همین عنوان در دفاتر مالی ثبت می‌شود. این ذخائر از محل معاملات با غیر اعضا درآمدهای غیر عملیاتی و سود حاصل از فروش داراییها تامین می‌شود. ترکیب سرمایه سهام ثبت شده و ذخائر قانونی و احتیاطی، در یک شرکت تعاونی در مقایسه با تعاونی دیگر تفاوتی موجود در وضعیت مدیریت سهام را بین این دو شرکت به خوبی نشان می‌دهد.

انواع سهام ثبت شده

سرمایه‌گذاری مستقیم

سرمایه‌گذاری مستقیم در سهام شرکت تعاونی می‌تواند از طریق خرید سهام شرکت یا سایر روشهایی که به نوعی نشانگر سرمایه‌گذاری مستقیم هستند، صورت بگیرد. اغلب به هنگام عضویت افراد در تعاونی و بهره‌مندی از حق رای، معمول است که سهام اولیه عضو در دفاتر، ثبت شود. سرمایه‌گذاری مستقیم اهداف مهمی را پوشش می‌هد این ابزار می‌تواند به تقویت موقعیت سهام شرکت، توسعه مالی تعاونی و یاب پوشش زیانهای مالی آن کمک کند. امروزه با افزایش میزان شکل‌گیری تعاونیهای جدید، سرمایه‌گذاری مستقیم به عنوان یکی از منابع اصلی برای تامین سرمایه شرکتهای تعاونی تبدیل شده است. این سرمایه‌گذاریها کمک می‌کنند تا ساختار مالی لازم برای راه‌اندازی عملیات ابتدایی شرکت در جهت توسعه فرایندهای ارزش زا، شکل بگیرد.

مازاد برگشتی

معمولاً در شرکتهای تعاونی، بخشی از مازاد برگشتی به نسبت معامله اعضا با شرکت تعاونی تقسیم می‌شود و بخش دیگری که مربوط به درآمدهای حاصل از معامله با غیر اعضا است، به حساب ذخیره قانونی منتقل می‌شود. البته همچنانکه قبلاً گفته شد از ذخایر قانونی برای حفظ قدرت نقدینگی شرکت

کار چندان مشکلی ندارد. همچنین یک شرکت تعاونی که از یک برنامه مدیریت سهام مؤثر استفاده می‌کند مشکلی در دستیابی به این نسبت نخواهد داشت.

مدیریت تناسب

یک شرکت تعاونی برای دستیابی به یک رابطه مناسب بین سرمایه‌گذاری اعضا و درصد استفاده از تعاونی از چه نقطه‌ای می‌بایست کار خود را آغاز نماید؟ پاسخ به این سؤال در شناسایی تفاوت بین سرمایه‌گذاری هر عضو و سطح معامله آن با تعاونی نهفته است. رسیدن به این تناسب به عوامل زیادی نظیر حضور اعضای فعال و غیرفعال و مدت زمانی که شرکت تعاونی تأسیس شده و فعالیت می‌کند، بستگی دارد. این هدف حتی می‌تواند در صورتی که سوابق عضویت اعضای فعلی ثبت نشده باشد، مشکل هم شود. به هر حال بدون توجه به موانع موجود، این وظیفه می‌بایست جهت ایجاد یک نقطه شروع برای مدیریت مؤثر سهام در تعاونی انجام شود.

بیشترین حجم عدم تناسب معمولاً در یک شرکت تعاونی اتفاق می‌افتد که سهامی از اعضا را باز پرداخت نکرده یا تنها با استفاده از برنامه‌ها و شاخصهای خاصی نظیر سن و یا وضعیت اجتماعی اعضا سهام شرکت را بازپرداخت نموده است. حجم زیادی از سرمایه شرکت را به صورت ذخایر قانونی و احتیاطی در نظر گرفته است) این وضعیت می‌تواند تنها با اتخاذ یک برنامه سرمایه‌ای تهاجمی بهبود یابد. البته چنین برنامه‌هایی می‌بایست از توانایی کافی برای تأمین مالی شرکت از اعضا فعلی تعاونی (به نسبت استفاده آنها برخوردار باشد تا بتواند سهام اعضای قبلی و اعضای که درخواست خروج از تعاونی را دارند و دیگر عضو تعاونی نیستند، باز پرداخت نماید.

در هر حال، در یک افق بلند مدت، شرکت تعاونی می‌بایست یک برنامه مالی ارائه دهد که خطوط کلی دستیابی به اهداف مالی شرکت را مشخص سازد. این برنامه می‌بایست در بردارنده هدف دستیابی به تناسب سرمایه و میزان

از درآمد خالص خود را به ذخایر قانونی و احتیاطی اختصاص می‌دهند. این حجم از ذخیره قانونی، حفظ سرمایه ثبت شده شرکت در برابر زیانهای مالی و تجاری است.

ذخایر قانونی و احتیاطی به عنوان مبنای دائمی سرمایه شرکت تعاونی به حساب می‌آید. ولی باید این نوع ذخایر را به درستی و با احتیاط مدیریت کرد، زیرا این خطر وجود دارد که بر اثر اعمال سیاستهای محافظه کارانه، بخش عمده‌ای از سهام شرکت به صورت ذخایر قانونی و احتیاطی در نظر گرفته شود که یکی از پیامدهای اصلی انجام چنین کاری، کاهش وفاداری اعضا به تعاونی می‌باشد چرا که سود تخصیص یافته به آنها از کل سرمایه شرکت به دلیل افزایش ذخیره قانونی و احتیاطی، کاهش یافته است. کاهش وفاداری اعضا منجر به کاهش کنترل آنها بر امور تعاونی می‌گردد که پیام آن می‌تواند این باشد که مدیران استخدام شده به جای هیأت مدیره شرکت تصمیماتی را که بر ترکیب سرمایه تعاونی اثر زیادی دارد اتخاذ نمایند.

نکات قابل توجه در مدیریت سهام

در این بخش ملاحظات و نکاتی را که هیأت مدیره و مدیر شرکت می‌بایست در اتخاذ تصمیمات راجع به مدیریت سهام تعاونی مورد توجه قرار دهند مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

هدف کلیدی مدیریت مؤثر سهام، حفظ نسبت سرمایه‌گذاری اعضا به میزان معاملات آنها با تعاونی است. در بیشتر موارد دستیابی و حفظ این نسبت در عمل بسیار سخت تر است چرا که پیامدهای مالی همواره با عدم اطمینان همراه هستند. اینکه این هدف چگونه دنبال می‌شود به بسیاری از عوامل بستگی دارد. یک شرکت تعاونی که سالهای زیادی در یک زمینه فعالیت می‌کند و سرمایه‌ای را بدون توجه به نسبت معامله اعضا با شرکت در اختیار دارد، وظیفه سختی برای دستیابی به این هدف دارد. در حالی که یک تعاونی تازه تأسیس یا جدید برای دستیابی به این تناسب (درصد سرمایه‌گذاری اعضا به درصد استفاده از تعاونی)

استفاده می‌شود. به طور کلی، مدیریت سهام شرکت (جهت تأمین مالی) با استفاده از مزایای برگشتی، مطمئن نخواهد بود. چرا که حجم سرمایه موجود در این روش بستگی مستقیم به سطح خالص درآمد اکتسابی شرکت دارد. برای مثال وقوع یک تغییر در ترکیب درآمد خالص یا مواجه شدن شرکت با زیان مالی، می‌تواند تعاونی را در وضعیت سختی جهت تأمین نیازهای سرمایه‌های خود جهت تأمین اقلای نظیر داراییهای ثابت یا بازپرداخت سهام اعضایی که می‌خواهند شرکت را ترک کنند، گرفتار نماید.

سرمایه‌گذاری اعضا از هر واحد محصول یا حجمی از فروش

این روش، سرمایه‌گذاریهایی را شامل می‌شود که از سوی اعضا و بر مبنای تحویل یک واحد از یک محصول و یا یک درصد از ارزش فروش آن محصول به تعاونی صورت گرفته است. برای مثال در یک شرکت تعاونی بازاریابی حجمی از درآمد حاصل از فروش تعاونی، که از محصولات خام تحویل داده شده به وسیله اعضا به دست آمده است، کنار گذاشته می‌شود و به عنوان ذخایر سرمایه‌ای اعضا در نظر گرفته می‌شود. مزیت ذخایر سرمایه‌ای، ثبات آنهاست، چرا که جذب و تأمین سرمایه در این روش بستگی به درآمد خالص کسب شده شرکت تعاونی ندارد، این روش انعطاف بیشتری نیز دارد زیرا حجم تخصیص داده شده به ذخایر سرمایه‌ای را می‌توان برای جبران نوسانات موجود در حجم فروش و یا قیمت محصولات ارائه شده از سوی تعاونی، افزایش یا کاهش داد.

به طور کلی همچنانکه قبلاً نیز گفته شد این روش اکثراً در تعاونیهای کشاورزی و بازاریابی به کار می‌رود. (البته لازم به ذکر است که استفاده از این روش جهت تأمین سرمایه، در تعاونیهای ایران چندان مرسوم نیست.)

ذخائر قانونی و احتیاطی

ذخائر قانونی و احتیاطی، معمولاً فقط برای پوشش نیاز به نقدینگی شرکت تعاونی به کار گرفته می‌شوند. برخی از تعاونیها، به طور ویژه بخشی

مدیریت می‌بایست از توانایی کافی برای توسعه و مدیریت عملیات برنامه‌های سهام شرکت تعاونی برخوردار باشد به گونه‌ای که بتواند تضمین کند سرمایه کافی برای فعالیتهای شرکت وجود دارد.



اگر یک شرکت تعاونی بخواهد مطابق با اصول تعاون که بر مبنای آن شکل گرفته فعالیت کند، هیأت مدیره و مدیران اجرایی می‌بایست سرمایه سهام شرکت را به صورت پیوسته، مدیریت نمایند. اگر آنها این گونه عمل نکنند مسؤولیت امانتداری هیأت مدیره خدشه‌دار شده و این بیانگر ضعف در ارائه خدمات به کل اعضا شرکت است.

استفاده در طی یک دوره مشخص باشد. بازبینی و اصلاح برنامه در صورت نیاز می‌بایست حداقل سالی یک بار صورت بگیرد به نحوی که نتایج واقعی به دست آمده از سال گذشته و تغییرات بوجود آمده در انتظارات و مفروضات را برای سال آینده همسو و منطبق سازد.

کاهش فاصله‌ها

تحقق هدف تناسب میان میزان سرمایه‌گذاری اعضا و میزان استفاده آنها از شرکت تعاونی، با ترکیب دو روش جذب سرمایه و بازپرداخت سهام، قابل دستیابی است. بدون توجه به اینکه چه روشی برای دستیابی به این هدف استفاده شود، نکته مهم، نیاز شرکت برای جذب و تأمین سرمایه کافی می‌باشد. درخواست از اعضای فعلی جهت تأمین سرمایه اضافی مورد نیاز شرکت برای دستیابی به این هدف ممکن است مقاومت‌هایی را از جانب اعضا به همراه داشته باشد. بنابراین بسیار با اهمیت است که اعضا رابسه طور مستمر آموزش داده و مسؤولیت‌های آنان را در تأمین سرمایه شرکت مطابق با درصد استفاده آنها از تسهیلات شرکت متذکر شد. البته این امر به سیاست‌های شرکت تعاونی در مدیریت

منتفع شوند. نوع ساختار سهام شرکت، نحوه تأمین سهام مورد نیاز و برنامه‌هایی که برای بازپرداخت سهام اعضا قبلی مورد استفاده قرار می‌گیرد، عواملی هستند که می‌توانند وظیفه مدیریت سهام را به یک وظیفه ساده یا بسیار پیچیده تبدیل نمایند. هیأت مدیره، مسؤولیت نهایی برای مدیریت سهام شرکت تعاونی با راهنمایی‌ها و توصیه‌های ارائه شده از سوی مدیران را بر عهده دارد. در اجرا و انجام این مسؤولیت، داشتن درک درستی از ویژگی‌های منحصر به فرد ساختار مالی شرکت تعاونی و اهمیت ارتباط آن با اصول مدیریت، برای اعضای هیأت مدیره بسیار مهم و حیاتی می‌باشد. از آنجا که هدف اولیه مدیریت سهام، حصول اطمینان از این امر است که تعاونی منابع سرمایه‌گذاری شده کافی برای تأمین نیازهای اعضا به طریقی مؤثر در اختیار دارد، بزرگترین چالش برای تعاونیها، مدیریت ذخایر سهام شرکت و آزاد سازی سرمایه سهام اعضا قبلی به طریقی است که تناسب خوبی از سرمایه‌گذاری اعضا را به نسبت معامله آنها با تعاونی بدست آورده و آنرا حفظ کند. مدیریت سهام با توسعه یک برنامه مالی خوب پایان نمی‌پذیرد. یک برنامه خوب می‌بایست به عنوان محوری جهت هدایت همه تصمیماتی که در خصوص سرمایه سهام و بدهی اخذ می‌شوند، در نظر گرفته شود. کلید اصلی برای مدیریت مؤثر سهام دانستن رابطه بین میزان استفاده هر عضو از تعاونی در مقایسه با سطح سرمایه‌گذاری وی در شرکت تعاونی است. ارزیابی این رابطه و تعدیل برنامه برای کاهش شکاف موجود در این نسبت، عنصر اصلی یک برنامه فعال در مقایسه با یک برنامه منفعل مدیریت سهام است. اگر یک شرکت تعاونی بخواهد مطابق با اصول تعاون که بر مبنای آن شکل گرفته فعالیت کند، هیأت مدیره و مدیران اجرایی می‌بایست سرمایه سهام شرکت را به صورت پیوسته، مدیریت نمایند. اگر آنها این گونه عمل نکنند مسؤولیت امانتداری هیأت مدیره خدشه‌دار شده و این بیانگر ضعف در ارائه خدمات به کل اعضا شرکت است.

سهام خود باز می‌گردد. اگر اعضای فعلی نسبت به میزان بهره‌مندی از خدمات تعاونی، سرمایه‌گذاری کمتری انجام داده‌اند، این دسته می‌توانند با اعضای که درخواست خروج از تعاونی را دارند یا دیگری که معاملات خود را با تعاونی کاهش داده‌اند، جایگزین شوند. همچنین باید دقت کرد تا حد امکان اعضای غیرفعال، بخش عمده سرمایه سهام شرکت را در اختیار نداشته باشند که در این صورت شرکت تعاونی به سازمانی منفعل تبدیل خواهد شد و نتیجه آن عدم بقاء تعاونی خواهد بود. حداقل، چندین سال طول خواهد کشید تا یک شرکت تعاونی بتواند بین میزان سرمایه‌گذاری و حجم معاملات اعضا رابطه‌ای را که منجر به پیشرفت قابل توجهی در کاهش عدم تناسب موجود شود، ایجاد کند. این روند می‌بایست به طور مستمر کنترل شود و نتایج حاصل از آن بر یک مبنای منطقی به اطلاع اعضا برسد.

نتیجه‌گیری

هر تعاونی نیازمند تخصیص زمان و منابع لازم برای مدیریت سهام خود به طریقی است که هم سازمان و هم اعضا آن